

پژوهشگاه علوم انسانی با ۴۸ عنوان کتاب جدید

شرق : آنچه در پی می‌آید متن پاسخ پژوهشگاه علوم انسانی است به معرفی‌ای که درباره کتاب‌های آن مرکز در شرق نگاشته شده بود. گروه اندیشه می‌پذیرد که در انتخاب تیترا اشتباه کرده بود. اما دوستان پژوهشگاه اگر نگاهی به متن نوشته ببندازند، قاعدتاً ما را مستحق چنین پاسخ عتاب‌آلودی نخواهند دانست. به هر حال پوزش می‌طلبیم.

■ ■ ■

روزنامه شرق در صفحه ۸ روز پنج‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ ستونی را تحت عنوان «پژوهشگاه علوم انسانی فقط با یک کتاب» به معرفی آثار پژوهشگاه علوم انسانی اختصاص داده بود. از آنجا که معلوم نیست مطالب نوشته شده برای معرفی کتاب‌های پژوهشگاه به اصحاب علم و فرهنگ بود یا برای تخریب پژوهشگاه، روابط عمومی پژوهشگاه بر آن شد توضیحی را در این خصوص ارسال نماید تا برابر قانون مطبوعات در همان صفحه چاپ شود. معرفی آثار پژوهشگاه با عنوان «فقط با یک کتاب» را در حالی در این ستون مشاهده می‌کنیم که در متن گزارش خود نویسنده محترم چهار کتاب جدید پژوهشگاه را معرفی کرده و تصاویر سه کتاب را نیز چاپ کرده است. در این صورت انتخاب تیتری با عنوان فقط با یک کتاب چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

در عصر ارتباطات نویسنده محترم تنها با یک تلفن می‌توانست از وضعیت جدید انتشارات پژوهشگاه اطلاع حاصل کرده و به اصحاب علم و فرهنگ گزارش دهد که پژوهشگاه سال جاری تصمیم داشت که با ۲۰۰ عنوان کتاب در نمایشگاه کتاب و مطبوعات حضور پیدا کند، اما همانگونه که ناشران محترم در جریان هستند به دلیل فضای کمی که به پژوهشگاه اختصاص داده شد ناگزیر شدیم فقط ۶۰ عنوان از آثار دو سال اخیر را به بازار عرضه کنیم. جهت اطلاع نویسنده محترم اعلام می‌کنیم که ۲۳ عنوان از مجموع ۴۰ عنوان کتاب چاپ شده بین نمایشگاه قبل کتاب و نمایشگاه اخیر چاپ اول هستند و هفده عنوان دیگر چاپ دوم با اضافات می‌باشند و اگر ۸ عنوان فصلنامه علمی پژوهشگاه را به آنها اضافه کنیم مجموعاً ۴۸ عنوان اثر جدید از سوی پژوهشگاه به بازار علم عرضه شده بود که فقط ۱۷ عنوان آنها تجدید چاپ بود. در پایان این نکته را یادآور می‌شویم که تمام ناشران دانشگاهی و غیردانشگاهی، دولتی یا خصوصی هر ساله کتب گذشته خود را نیز به نمایشگاه عرضه می‌کنند و با این حساب مشخص نیست که چرا عرضه کتاب‌های گذشته پژوهشگاه در نمایشگاه برای نویسنده ستون مذکور غیرمتنظره بود که نوشته بود: «در این غرفه کتاب‌های مختلفی توزیع می‌شود که بسیاری از آنها پارسال نیز به نمایشگاه عرضه شده‌اند». اگر نویسنده محترم ناشی را سراغ دارد که کتب گذشته‌اش را در نمایشگاه معرفی نکرده خوشحال خواهیم شد که ما را نیز در جریان قرار دهند. البته از نویسنده محترم انتظار نداشتیم که خیر انتخاب غرفه مطبوعات پژوهشگاه به‌عنوان غرفه برتر و دریافت جایزه و لوح تقدیر را منتشر کند، اما این انتظار را نیز نداشتیم که ۴۸ عنوان آثار جدید پژوهشگاه را ندیده بگیرد و عنوان «پژوهشگاه فقط با یک عنوان کتاب» را به کار برد. روابط عمومی پژوهشگاه ضمن اینکه همراه توضیح مطلب فوق فهرستی از آثار جدید خود را به روزنامه شرق ارسال می‌نماید، طبق روال گذشته آمادگی خود را جهت بررسی، معرفی و نقد آثار جدید اعلام می‌دارد تا نویسنده محترم در صورت تمایل از چگونگی و چند و چند آثار جدید اطلاع حاصل نماید.

□

نقش دین در بهداشت روان

مهر: دومین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان با هدف ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها در علوم رفتاری با نگرش و رویکرد مذهبی، اردیبهشت سال آینده در دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار می‌شود. انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان و معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران دومین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان ۱ الی ۳ اردیبهشت ۸۶ در دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار می‌کنند. نقش دین و نگرش اعتقادات دینی و اسلامی در پیشگیری اولیه و ارتقای بهداشت روان، روانشناسی دینی و اسلامی، روانشناسی دین، روانشناسی جوامع و رفتارهای مذهبی، مشاوره و درمان و توانبخشی و رویکرد معنوی و دینی و اسلامی، بهداشت روان و دینداری و آسیب‌شناختی خشونت با رویکرد دینی از جمله محورهای پیش‌بینی شده برای این همایش است. اهداف اصلی همایش ارائه راهکارهای مذهبی در بهداشت روان، ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها در علوم رفتاری با نگرش و رویکرد مذهبی است.

همایش علمای مسلمان

مهر: همایش بین‌المللی «علمای مسلمان» به منظور اعلام حمایت اسلام از صلح جهانی ۲۰ تا ۲۲ ژوئن (۳۰ خرداد تا اول تیرماه) در جاکارتا برگزار می‌شود. به نقل از اسلامیک‌نیوز، در همایش مذکور شرکت‌کنندگان به بررسی اسلام که رحمت برای جهانیان است و این دین از صلح جهانی حمایت می‌کند، می‌پردازند. رهبران برجسته دینی و روحانیون در همایش فوق حضور خواهند داشت و رئیس‌جمهور اندونزی آن را افتتاح می‌کند. همایش بین‌المللی «علمای مسلمان» طی سه روز، نقش این گروه در پاسخگویی به نیازهای جامعه، جایگاه اسلام در وحدت‌بخشی و ایجاد امنیت و آرامش و همچنین ایجاد بحث و انسجام عمومی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

متن صحبت در نشست گروه علمی-تخصصی دین

۱۳ اردیبهشت، در همایش مسائل علوم اجتماعی ایران.

■ ■ ■

موضوع این نشست را موانع رشد جامعه‌شناسی دین در ایران پیشنهاد کرده‌اند. جسارتاً اما می‌خواهم نه در موانع رشد بلکه از ناممکن بودن جامعه‌شناسی دین در ایران سخن بگویم. حدوداً دو سال پیش، گروه جامعه‌شناسی دین در انجمن جامعه‌شناسی شکل گرفت و من مصمم بودم که در شکل‌گیری این گروه و شکل‌گیری رویکردی جامعه‌شناسانه به دین سهم کوچکی داشته باشم. برابرم غریب بود که در ایرانی که مسائل اجتماعی‌اش چنین با دین پیوند خورده است، جامعه‌شناسی دین جایگاهی تا بدین حد کوچک و ضعیف در آموزش و پژوهش‌های ما داشته باشد.

تجربه تشکیل این گروه البته که تجربه موفق‌ی بود. یکی از فعال‌ترین گروه‌های انجمن است و به یمن تلاش‌های مسئولین گروه، تا به حال سخنرانی‌ها و مباحث بسیاری را برنامه‌ریزی کرده است اما، تجربه چندساله من در کار جامعه‌شناسی دین در ایران، بارها مرا به یں بست کشانده و به اینجا رسیده‌ام که جامعه‌شناسی دین را امروز و در ایران گاه ناممکن بدانم. جامعه‌شناسی که اغلب یا به تاریخ نظریات جامعه‌شناسان درخصوص دین و موقعیت دین در جهان امروز تقلیل می‌یابد و یا زمانی که پیش به ایران کشیده می‌شود تبدیل می‌شود به پژوهشی جامعه‌نگارانه در خصوص انواع دینداری‌ها. و در هر دو حال در تحلیل دنیامسم حیات دینی در جامعه امروز، در برابر تکثر، تجزیه، بازترکیب و تحولات این حوزه در جامعه ما، ناتوان یا خاموش می‌ماند. این ناتوانی یا خاموشی به دلیل موقعیت ویژه جامعه‌شناسی، موقعیت ویژه دین، موقعیت خاص جامعه‌شناس دین، و خصوصاً به دلیل شرایط و زمینه دینی جامعه و قدرت در شرایط ملتبه امروز است. همه این مفاهیم بار عاطفی سنگینی دارند که ناخودآگاه عمل می‌کنند و کار را بر جامعه‌شناس دین بسیار سخت اگر نگویم ناممکن می‌کنند. توضیح می‌دهم: جامعه‌شناسی خود به عنوان یک رشته علمی در ایران موقعیت شکننده‌ای دارد. جامعه‌شناسی به عنوان علمی که فرزند مدرنیته است، سرنوشتش با مدرنیته، با جوامع مدرن، با فرهنگ غربی و با نام‌هایی چون مارکس، وبر، دورکheim، زیمل و . . . پیوند خورده‌است. رشته‌ای جوان است، و از هر سو مورد ستوال. برخی از منظر سیاست و دین جامعه‌شناسی را به عنوان یک رشته غیرخودی، غربی مورد ستوال قرار می‌دهند، و برخی دیگر از منظر آکادمیک به عنوان رشته‌ای که مختص جوامع پیچیده مدرن است و در اجتماع سنتی ما ناکارآمد است و برخی دیگر با رویکردی فلسفی، تاریخی یا روانشناوته. . . .

جامعه‌شناسی را تقلیل‌گرا و نزدیک‌گیر می‌خوانند. این مجموعه جامعه‌شناسی را در صف مقدم رشته‌هایی در

علوم انسانی قرار می‌دهد که باید اصلاح و تربیتش کرد و این شرایط موقعیت جامعه‌شناسی را به عنوان یک رشته علمی شکننده کرده است و جامعه‌شناس را ناگزیر که مدام در موقعیت دفاع از رشته قرار بگیرد.

دین به نوبه خود، تعبیر دورکheim، هنوز در ایران در زمره محرمات و در قلمرو ممنوعه است. نمی‌تواند موضوع علم قرار گیرد. به تفسیر خود از خود بسنده می‌کند و در برابر تفسیر بیرونی از خود مقاومت می‌کشد. هر بار که با رویکردی جامعه‌شناسانه کارکرد و سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های دینی را در جامعه تحلیل می‌کنیم، ناگزیریم که تفسیر دین از خودش را نیز همزمان ارائه دهیم. نمی‌توانیم به کار جامعه‌شناسانه بسنده کنیم. گویی رویکرد جامعه‌شناسانه یا کافی نیست و یا شبهه‌زا است و در نتیجه برای تکمیل و رفع شبهه از آن می‌بایست قرائت دین را نیز از موضوع مورد مطالعه ارائه داد و از این رو است که در برابر یک اثر جامعه‌شناسی می‌دهم: ناگزیر پاورقی می‌زنیم. به ترجمه جامعه‌شناسی ادیان ژان پل ویلم که یک کتاب درسی جامعه‌شناسی دین در اروپا است. موقعیت خاص درخصوص جامعه‌شناس دین نیز مصداق می‌یابد.

جامعه‌شناس دین، به گفته بودریو، یا دیندار است و یا دیندار سابق. اگر دیندار است که نمی‌تواند فاصله انتقادی را که

لاندپیشه

«ناممکن بودن» جامعه‌شناسی دین در ایران

متن سخنانی سارا شریعتی در انجمن جامعه‌شناسی ایران



مطالعه خود ایجاد کند و در نتیجه جامعه‌شناسی دین در کار علمی دیندار، به نوعی صورت‌بندی عالمانه از ایمان مذهبی خویش بدل می‌شود که به جامعه‌شناس اجازه می‌دهد تا «مزایای یک روشن‌بینی علمی را با مزایای یک ایمان مذهبی» با هم جمع کند. و اگر دیندار سابق است، همواره شائبه سونیت داشتن و اینکه نمی‌تواند غیرجانبدارانه با موضوع خود برخورد کند بر سرش هست و اینکه تحقیق علیمش در جهت اثبات و تحکیم موضع امروزینش قرار می‌گیرد. اگر نه این و نه آن است، (نه دیندار است و نه دیندار سابق)، کمتر احتمال آن می‌رود که دین را موضوع مطالعه و کار خود قرار دهد.



نکته

جامعه‌شناس دین، به گفته بودریو، یا دیندار است و یا دیندار سابق. اگر دیندار است، منهم است که نمی‌تواند فاصله انتقادی را که خاصه یک روش‌بینی علمی است با موضوع مورد مطالعه خود ایجاد کند و در نتیجه جامعه‌شناسی دین در کار علمی دیندار، به نوعی صورت‌بندی عالمانه از ایمان مذهبی خویش بدل می‌شود که به جامعه‌شناس اجازه می‌دهد تا «مزایای یک روشن‌بینی علمی را با مزایای یک ایمان مذهبی» با هم جمع کند. و اگر دیندار سابق است، همواره شائبه سوءنیت داشتن و اینکه نمی‌تواند غیرجانبدارانه با موضوع کار خود برخورد کند بر سرش هست و اینکه تحقیق علمی‌اش در جهت اثبات و تحکیم موضع امروزینش قرار می‌گیرد.

هدف شما از مطالعه دین در جامعه چیست؟ چنانچه در جایی خواندم که درخصوص یک کتاب

جامعه‌شناسی دین که اخیراً ترجمه شده است نوشته، این کتابیست که یک بی‌دین نوشته و یک بی‌دین ترجمه کرده و یک دیندار آن را درس می‌دهد!

شرایط دینی جامعه و قدرت سیاسی و همچنین زمینه انقلابی، در ایران چنان ملتبه است و چنان بار عاطفی دین و سیاست را سنگین کرده، که عملاً کار بر جامعه‌شناس دین ناممکن می‌شود. همه چیز از منظر «موضع»، «منفعت» و «انگیزه» شما تحلیل می‌شود و در نتیجه مدام متهم می‌شوید! یا به اینکه می‌خواهید جامعه‌شناسی را دینی کنید و یا به اینکه می‌خواهید از دین تقدس‌زدایی کنید. در این شرایط جامعه‌شناس دین ناگزیر می‌بایست یا برای کسب اعتبار علمی خود و رشته‌اش، تعلقات خود را نفی کند و یا برای زیر ستوال نرفتن دینداری خود، رویکرد جامعه‌شناسانه‌اش را

حک و اصلاح کند.

در نتیجه، در این شرایط مثلاً پرداختن به مهم‌ترین مسائل امروزی جامعه‌شناسی دین که عبارتند از سکولاریزاسیون، بازترکیب (recomposition) و جهانی‌شدن (globalisation)، امری سخت‌اگر نگویم ناممکن است. «سکولاریزاسیون» را اگر به عنوان یک فرآیند تاریخی مورد بحث قرار دهیم، از جانب دیندار به سکولار بودن متهم می‌شویم و اگر (با توجه به ظهور امر دینی از دهه ۷۰ میلادی به بعد، و صور جدیدی که دین در جامعه مدرن به خود یافته)، پارادایم سکولاریزاسیون را زیر ستوال ببریم از جانب غیردیندار به این متهم می‌شویم که باز می‌خواهیم دین را از متن مدرنیته استخراج کنیم!

«تجزیه و بازترکیب» دین که شاخص جدید دینداری در عصر ماست را اگر مورد مطالعه قرار دهیم، از جانب دیندار متهم می‌شویم که «شبه‌دین» را به دین تعریف کرده‌ایم و اگر بالعکس از «محصولات دینی مدرنیته» حرف بزنیم، از جانب غیردیندار متهم می‌شویم که می‌خواهیم به هر قیمتی دین را در دنیای مدرن زنده نگه داریم! اگر در خصوص «جهانی‌شدن»، از خروج دین از مرزهای ملی سخن گوئیم و از اسلام اروپایی، عربی، آسیایی سخن بگویم، از جانب دیندار متهم می‌شویم که ارتدوکسی را شکننده کرده‌ایم و اگر از «دین بی‌مرز» سخن بگوئیم از جانب غیردیندار متهم می‌شویم که می‌خواهیم دین را جهانی کنیم!

در این شرایط، تنها مفر ظاهرأ عرفان است: «پلی میان فرهنگ‌ها» و یا نه جستن به رویکردهای پدیدارشناسانه به دین. – میرچا الیاد– در هر حال از نظر من، جامعه‌شناس دین، شرایط امکان رشته خود را در ایران، تنها با گذشت زمان و فاصله یافتن با زمینه و شرایط ملتبه اجتماعی امروز می‌تواند فراهم کند. آینده این رشته که موضوع مطالعه‌اش تنوع اعتقادات، آیین‌ها، سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های مذهبی. . . در جامعه‌نخست برای فهم بدون قضاوت درخصوص آن است، در گرو زمان است. زمان به نفع این رشته است.

گفتار □

باز هم درباره تصمیم‌گیری

— **احمدرضا همتی** مقدم

در نوبت قبل یک مدل برای تصمیم‌گیری (استراتژی بهینه‌کردن) توضیح داده شد، که براساس آن ابتدا باید ضروری بودن یک تصمیم را بررسی کرد و سپس گزینش‌ها و انتخاب‌های ممکن را فهرست کرد و نتایج حاصل از هر گزینش را ارزیابی کرد تا بتوان بر پایه این داده‌ها تصمیمی معقول گرفت. برای نشان دادن چگونگی این مدل به بررسی مثالی می‌پردازیم که در نوبت قبل بیان شد. آن مثال بیان می‌داشت که خانمی در هنگام اورورگرافی (عکسبرداری از مجاری ادراری) دچار واکنش مرگبار شده است. رادیولوژیست بیمار را قبل از عکسبرداری از خطرات احتمالی آگاه نکرده بود چون معتقد بود که چنین امری ناپسند است. او برای توجیه عملش گفته بود: «می‌توانستم به او بگویم که احتمال چنین واکنشی و حتی مرگ وجود دارد. اما چنین واکنش‌هایی بسیار نادر است و در ضمن انجام اورورگرافی برای او لازم بود. من در طول دوران کاری‌ام ۶ هزار تا ۸ هزار اورورگرافی انجام داده‌ام و تاکنون چنین واکنشی ندیده‌بوم. بنابراین نیازی نبود با ذکر اینکه چنین واکنش‌هایی محتمل اما نادر است او را دچار ناراحتی می‌کردم. اگر او بدین دلیل عکسبرداری را انجام نمی‌داد و تشخیص بیماری‌اش معلوم نمی‌شد و در نتیجه می‌مرد، آنگاه من مطلقاً عمل خوبی انجام نداده بودم. در حقیقت مسئولیت ما در قبال بیمارانمان انجام دادن بهترین عمل برای آنها به لحاظ پزشکی است. آگاه‌کردن بیماران از خطرات و مرگ احتمالی به خاطر انجام اورورگرافی ممکن است بهترین فایده و سود را برای بیماران نداشته باشد و حتی مضر هم باشد.»

تصور کنید که شما به جای آن رادیولوژیست هستید و می‌خواهید از مدل تصمیم‌گیری «استراتژی بهینه‌کردن» استفاده کنید. یعنی می‌خواهید تصمیم بگیرید که به بیمار بگویید خطرات چنین عملی را یا نه. البته لازم است بدانید که اورورگرافی یک درمان پزشکی نیست بلکه نوعی روش عکسبرداری است که از آن برای تشخیص وضعیتی که ممکن است نیاز به عمل جراحی داشته باشد و یا تشخیص سرطان استفاده می‌شود. همچنین فرض کنید که انجام اورورگرافی برای بیمار ضروری است یعنی با توجه به نشانه‌های بیماری‌اش انجام اورورگرافی لازم است. در این صورت شما چه تصمیمی می‌گیرید؟ شما ممکن است با تصمیم رادیولوژیست موافق باشید و فکر کنید که پامدهای انجام اورورگرافی برای بیمار اگر به او خطرات احتمالی آن گفته نشود، بهترین فایده را دارد. ممکن است شما معتقد باشید که این استدلال چیزی مهم را نادیده گرفته است. یعنی که انجام اورورگرافی تنها به رادیولوژیست وابسته نیست تا او از جانب بیمار تصمیم بگیرد که چنین عملی حتی با خطر احتمالی بسیار پایین انجام شود یا نه. اما اگر رادیولوژیست این را نادیده گرفته‌است، کنج‌های کارش در استفاده از مدل تصمیم‌گیری «استراتژی بهینه‌کردن» نادرست بوده است. رادیولوژیست به پامدهای یادآوری کردن به بیمار که چنین عملی ممکن است خطر مرگ داشته باشد، اندیشیده بود. او معتقد بود اگر این را به بیمار می‌گفتم، ممکن بود او از انجام اورورگرافی امتناع کند در نتیجه جانش به خطر می‌افتاد. بنابراین می‌توان گفت رادیولوژیست او گزینش پیش‌رو داشته است: ۱- به بیمار خطرات احتمالی اورورگرافی را گوشزد کند. در این صورت رادیولوژیست معتقد بود که بیمار ممکن است از انجام اورورگرافی امتناع کند و در نتیجه جانش به خطر افتد. ۲- به بیمار خطرات احتمالی اورورگرافی را نگوید. در این صورت رادیولوژیست معتقد بود که با انجام اورورگرافی تشخیص بیماری‌اش مسلج می‌شد و بیمار تحت درمان مناسب قرار می‌گرفت. او پس از دآوری میان این دو گزینش، دومی را انتخاب کرد چون معتقد بود که سود و منفعت بیشتری برای بیمار دارد. در اینجا سخن بر سر درستی یا نادرستی کار او نیست چون نیاز است چیزهای بیشتری درباره شخصیت بیمار بدانیم. اما یک نکته مهم است که رادیولوژیست توافق بیمار را برای انجام اورورگرافی بدون ارائه اطلاعات کامل به او گرفته است. و به نظر می‌رسد که این نادرست است. مثلاً فرض کنید شخصی فرم رضایت‌نامه برای یک عمل جراحی را که تنها ۵۰ درصد شانس موفقیت دارد امضا کند بدون اینکه او گفته شود که این عمل تنها ۵۰ درصد شانس موفقیت دارد. قطعاً چنین امری نادرست است. چرا؟ چون فرضی که در اینجا وجود دارد این است که اکثر مردم توانایی تصمیم گرفتن درباره زندگی خودشان را دارند بنابراین باید اطلاعات مربوطه در اختیار آنها قرار گیرد تا بتوانند تصمیم مناسبی بگیرند. معمولاً از واژه «خودمختاری» (autonomy) برای توصیف این حالت استفاده می‌شود. خودمختاری به طور خلاصه یعنی توانایی تصمیم گرفتن براساس گزینش‌هایی که در اختیار داریم. و اصل «احترام به خودمختاری» به ما می‌گوید که به دیگران آزادی تصمیم گرفتن را بدهیم و اصل «ایجاد خودمختاری» به ما می‌گوید که افراد را در موقعیتی قرار دهیم که بتوانند تصمیم بگیرند. اگر متصفانه به کار رادیولوژیست بگیریم، شاید او به خودمختاری بیمار توجه داشته اما با توجه به اینکه خطر مرگ در انجام اورورگرافی بسیار پایین است، او برای آزردن نساختن بیمار ارزش بالاتری نسبت به خودمختاری او قائل شده بود. ولی در توجیه او ذکر می‌شود که خودمختاری بیمار نیامده بود. اما می‌توان گفت کار او براساس مدل پیشنهاد شده بوده است. بنابراین درسی که از این مثال می‌گیریم این است که مدل «استراتژی بهینه‌کردن» باعث می‌شود که گاه ما ارزش‌هایی از قبیل خودمختاری را نادیده بگیریم، چون وقتی ستوال می‌کنیم که «پامدها و نتایج این انتخاب چه هستند؟» در واقع داریم ستوال می‌کنیم که «چه رخ خواهد داد اگر عمل X را انجام دهیم؟» اما ممکن است برخی از ملاحظات اخلاقی را نادیده بگیریم.